

مهجوریت قرآن کریم

مصطفی حاتمی

چکیده

مسئله تحریف و مهجوریت قرآن کریم از مسائلی است که هم در قرآن کریم بدان اشاره شده و هم در لسان روایات اهل بیت‌علیهم السلام موجود دارد؛ در این مقاله به این موضوع می‌پردازیم و عوامل مهجوریت قرآن کریم را بررسی کنیم؛ اعم از عوامل بیرونی‌دشمنی دشمنان قرآن کریم و عوامل درونی (کم‌توجهی مسلمانان).

کلید واژه مهجوریت، قرآن، عوامل، راهکارها

مقدمه

مسئله تحریف و مهجوریت قرآن کریم جزء مسائلی است که ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن هشدار داده‌اند. امیر مؤمنان علیه السلام اوضاع بعد از خود را چنین بیان می‌کنند: «**أَنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُم مِّنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَّيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَانٌ بِالْبَاطِلِ... لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ الْزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرٌ مِّنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلَيَّ حَقٌّ تَلَوْتَهُ، وَلَا انْفَقَ مِنْهُ إِذَا حَرَّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا فِي الْبَلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا اعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ؛ فَقَدْ تَبَدَّى الْكِتَابُ حَمَلَتْهُ وَتَنَاسَاهُ حَقَّطَتْهُ، فَالْكَتَابُ يَوْمَئِذٍ وَاهْلُهُ طَرِيدَانٌ مَنْفَيَانٌ ... وَمِنْ قَبْلِ مَا مَتَّلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلَّ مُتَّلٍّ بِهِ زُودِيَّ پَسَ از من زمانی بر شما بیاید که در آن هیچ چیزی ناپیدا تر از حق و پیدا تر از باطل وجود ندارد میان مردم آن روزگار کالایی به عنوانی از کتاب خدا [آنگاه که به درستی و چنانکه حق آن است تلاوت شود]، وجود ندارد و هرگاه معانی آن تحریف شود، متاعی پر روتق از آن نیست در شهرها چیزی ناپسندتر از کار نیک و پسندیده‌تر از کار زشت وجود ندارد؛ زیرا قرآن دان [و عالمان دینی] آن را به کناری افکنده، حافظانش، آن را به دست فراموشی سپردند. در آن روزگار، قرآن و اهل آن مطرود هستند و در پس آن زمان، انواع سختیها و شکنجه‌های در حق درستکاران اعمال می‌شود.»**

قرآن کریم نیز از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این موضوع را بیان می‌دارد و می‌فرماید:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَلَّا إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا^۱;»^۲ «وَرَسُولُ خَدَا صَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَيْفَرَمَادِ: إِيْ بَرُورَدَارَ مَنْ! هَمَانَا قَوْمٌ وَامْتَ مِنْ آنِ قَرْآنَ رَا مَهْجُورٌ گذاشتَهَانَد.»

تعريف مهجوریت قرآن

امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: «وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ تَبَذُّوْهُ وَلَا هُمْ عُذُوْهُمْ حِينَ تَوَلُّوْهُ وَكَانَ مِنْ تَبَذُّهِمُ الْكِتَابِ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحِرَفَوْهُ حُدُودَهُ فَهُمْ يَرْوُونَهُ وَلَا يَرْعُونَهُ وَالْجُهَّالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُ وَوَلَلَهُ وَالْعُلَمَاءُ يَحْزِنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرِّعَايَةِ^۳ هر امتی، آنگاه که کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند، خداوند علم آن را از آنان گرفت و آنگاه که دشمنان خود را به دوستی و سرپرستی گرفتند، خداوند آن دشمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد دور افکندن کتاب به این بود که حروف و کلمات آن را بربا داشتند و معانیش را تحریف کردند، کتاب را می‌خوانند و روایت می‌کنند؛ اما آن را رعایت نمی‌کنند و به کار نمی‌هندند نادانان از اینکه آن را خوب می‌خوانند و حفظ می‌کنند، خوشحال و دانایان از اینکه آن را رعایتمی‌کنند و به کار نمی‌هندند، اندوهناکند»

از لحاظ لغت «مهجور» به معنای کسی است که با او قطع رابطه شده است و چیزی که

^۱. میزان الحکمة، محمد محمدی شهیری، ج ۱۰، ص ۴۸۲۴، ح ۱۹۵۱۶.

^۲. فرقان / ۳۰.

^۳. میزان الحکمة، ج ۱، ح ۱۶۵۲۳.

از آن اعراض و آن را رها کرلاه.^۱
در «مجمع البیان» ذیل آیة ۳۰ سوره مبارکه فرقان می نویسد: «وَ الْمَعْنَى حَعْلُوهُ
مَتْرُوكًا لَا يَسْمَعُونَهُ وَ لَا يَتَفَهَّمُونَهُ؛^۲ قرآن را ترك کردند، چنان که سخنش را نشنیدند و
فهمیدند»^۳

وجوه مهجوریت قرآن

منظور از ترك مهجوریت قرآن، صرف تلاوت کردن آن نیست؛ بلکه حدیثی از رسول گرامی
اسلام صلی الله علیه و آله است که فرمود «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرآنِ لِأَعْلَمُ»؛^۴ ای بسا قرآن
خوانی که قرآن لعنتش میکند.» بلکه همانگونه که در حدیث نبویصلی الله علیه و آله‌امده
است، به هدایت و فهمیدن است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ الْقُرْآنَ
بِالْتَّلَاوَةِ وَ لَا الْعِلْمَ بِالرِّوَايَةِ وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ بِالْبَدْءِ وَالْعِلْمَ بِالدِّرَايَةِ» قرآن نه به تلاوت است و
نه به دانستن روایت آن؛ بلکه قرآن به هدایت و فهمیدن آن انکت
در این مختصر به چند نمونه از وجود مهجوریت قرآن کریم اشاره کمیه

هجوریت مغز و محتوای قرآن

یکی از ابعاد مهم و اساسی مهجوریت قرآن کریم، جوییت محتوای آن است که قرآن
در قرائت و تلاوت محصور و جنبه درایت قرآن مهجور شده است و این در حالی است که
روایات به اهمیت این جنبه تأکید مکنید رسول خداصلی الله علیه و آله فرماید: «لَيْسَ
الْقُرْآنَ بِالْتَّلَاوَةِ وَ لَا الْعِلْمَ بِالرِّوَايَةِ وَلَكِنَّ الْعِرْبَ بِالْهَدَايَةِ» قرآن نه به تلاوت
کردن است و نه به دانستن روایت آن؛ بلکه قرآن به هدایت است و به فهمیکن آن

هجوریت فرهنگ قرآن:

قرآن کتاب اجتماع است و فرهنگی که ارائه مکنید فرهنگی است که روح برادری را در
جامعه میدارد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلُحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛^۵ «همانا
مؤمنین برادرند پس بین برادران اصلاح کنید و تقوا پیشه سازید شاید مورد رحمت قرار»^۶ گیرید
اما فرهنگی که بر جوامع حاکم شده اسفوهنگ ناسالم غرب است که فرهنگ تفرقه
افکنی و بعد حیوانیت انسان است و فرهنگ ظلم و استعمار مستضعفان است
قرآن کریم داعیه‌ار وحدت جامعه انسانی بر مبنای عبودیت پروردگار است
«فَلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَيْكُلِمَةَ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنُكُمْ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا تُشْرِكُ بِهِ
شیئاً...»؛^۷ «بگو: ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است،
پیروی کنیم و آن کلمه این است که به جز خدای یکتا را نپرسیم و چیزی را با او شریک قرار
ندهیم...»

قرآن و مهجوریت فواین الهی

قرآن کتاب سیاست و حاکمیت است؛ ولی متأسفانه دشمن توانته تا حد بالایی
سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را ترویج دهد، به گوایی که در مجتمع مهوریت در
دست دین نیست؛ بلکه گاهی آمر به معروف و ناهی از منکر طردگویید قرآن کریم در این
زمینه دو دسته آیات ارائه می‌دهد:

الف) حکومت دادن به ریاضیان و خدایران:
«إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛^۸ «هر آینه ولی شما خدا و پیامبر خدا، و کسانی هستند که ایمان آنقدر نماز
را بر پا میدارند و در حال رکوع به نیازمندان زکات هفند.»

ب) ساقط کردن حیاران:
«وَلَقَدْ أَهْلَكَنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا»؛^۹ «و اهل قرنها ی گذشته را به سبب

۱. المنجد، لویس معلوف، ترجمه محمد بندر ریگی، جص ۲۰۶۰.
۲. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۲۲۰.
۳. بحائز الانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۸۴.
۴. میزان الحكمه، ج ۱، باب ۳۳۱۱، ح ۱۹.
۵. میزان الحكمه، ج ۱، باب ۳۳۱۱، ح ۱۹۵۵۱.
۶. جرات / ۱۰. ب ۶۴.
۷. آل عمران / ۶۴.
۸. مائدہ / ۵۵.
۹. یونس / ۱۳.

ستمی که کردند، هلاک کردیم، »

عوامل مهجوریت قرآن کریم

در این مورد، بحثرا در دو عامل بیرونی و درونی بررسی مکفیم؛

(الف) عامل بیرونی:

در دوران رنسانس به دلیل عقل سنتیز بودن غرب، برخی آهواری کتاب مقدس چون : تثلیث، مرکزیت زمین و... باعث جدایی دین از عقل گردید و نیز چون این قوانین و آهوازان حاکمیت اجتماعی را نداشتندیه این نتیجه رسیدند که دین موضوعی فردی است که قابلیت پذیرش عقلی و اجتماعی ندارد و تنها جنبه احساس انسان را پاسخگو است و استفاده کردن از آن در صحنۀ اجتماع امکان‌پذیر نیست بنابراین، توجه‌ها به انسان و نیازهای مادی معطوف شد؛ از این رو تفکر اسلامیسم» رونق گرفت و دین به حاشیه رانده شد و بیشتر جنبه فردی گرفت و در زمان خاطریکشنبه‌ها] و نیز مکان خاصاً کلیساها].

از آن پس مکاتب انسانی غرب اوج گرفت و محوریت خداوند از میان رفتاین فرهنگ آلوده به دیگر مناطق جهان نیز سرایت کرد و تمدن صنعتی که در پی آن رفاه دنیوی بشر را تأمین می‌کرد و هدف آن رسیدن به آسایش دنیوی انسان بود، همراه با فرهنگ آن در سراسر جهان شیوع پیدا کرد و بشر را در راستای هدف خود با تبلیغات گسترده و استفاده از نقطه ضعفهای بشر چون شهوات نفسانی و حیوانی همراه کردگونه‌ای که انسان امروز دغدغه‌ای جز رسیدن به همین رفاه کاذب دنیایی را ندارد و تمام توان خود را در این جهت کار می‌گیرد در نتیجه دین به حاشیه کشیده شد

متأسفانه برخورد با قرآن کریم نیز از این واقعه مستثنی نبوده و اگر هم از قرآن سراغ گرفته می‌شود، استفاده‌ی غیر از آن بهرگیری مفید و ارزشمند قرآن می‌شود، یا برای ثواب، قرائت می‌شود، یا برای سفر یا سفره‌های عروسی و عقد یا شفای بیماران یا افتتاح خانه و کارخانه، یا هنرهای معماری مساجد و محرابها یا ختم انعامها و یا اسھظفیه‌های دیگر که غیر از هدف والای نزول قرآن کریم است

(ب) عامل درونی

منظور، عامل درون دینی استما قوانین زندگی را از قرآن بیرون نکشیده‌یم و آن را به صورت کاربردی به مردم معرفی نکرایم تا کتاب زندگی شودکلاسهای قرآن بیشتر کلاس روحانی، روانخوانی و تجوید است تا کلاس مفاهیم و تفسیر؛ از این رو قرآن و فرآگیری آن بیشتر یک هنر برای کسب مقام در مسابقات است تا اینکه کتاب برنامۀ عمل باشیب از قرآن نیست؛ بلکه بشر امروز که تشنۀ آموخته‌ای راهگشای آن است نتوانسته معارف لازم را از قرآن بیرون بکشد و استفاده لازم را ببرد

دقت در آیات انسان را آرام می‌کند؛ ولی حسرت رسیدن به فضایل مندرج در آن پا بر جا است، از جمله

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِعَفْدِهِمْ وَأَمَانَاتِهِمْ رَاعُونَ؛» ^۱ «کسانی

که از یکارهای بیهوده روی می‌گویند و کسانی که پیمانها و امانتها را پاس می‌وند»

«أُولئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ؛» ^۲ «آنان در کارهای خوب شتاب

می‌ورزند و در این کلها بر دیگری پیشی می‌گیرند»

کافی است دل به قرآن سپرده شود ر حديث است که : مردی نزد پیامبر صلی الله عليه و آله‌امد تا از ایشان قرآن فرآگیر و وقتی به این گفته خداوند متعال رسیده «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» گفت: همین مقدار مرا بسی است؛ و در پی کار خود رفت پیامبر صلی الله عليه و آلمرمودند: «اَنْصَرَ فَالرَّجُلُ وَ هُوَ فَقِيهٌ»؛ این مرد بازگشت در حالی که به فهمی عمیق رسید

راهکارهای برون رفت از مهجوریت قرآن

۱. ملزم بودن به تلاوت قرآن:

حدائق پنجاه آیه از قرآن در روز خوانده شوهم صادق علیه السلام فرمودند: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْتَرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَغْرِأً مِنْهُ فِكْلَلٌ

^۱. مؤمنون / ۳۶ و ۸.

^۲. همان / ۶۱.

^۳. الحیاة ، محم رضا حکیمی و...، ترجمه احمد آرام ، باب ششم ، ج ۲ ص ۲۰۴ .

یوْمٌ حَمْسِينَ آیَهٖ قرآن عهد خداوند به سوی بندگان است؛ همانا سزاوار است که هر مرد مسلمانی، هر روز به آن عهد نظر بیاندازد و از آن پنجاه آیه قرائت^۱ کند البته قرائت همراه با تدبیر، چنانچه امیر مؤمناعلیه السلام می‌فرماید: «لَا خَيْرٌ فِي عِبَادَةِ لَا فِقَهٍ فِيهَا وَ لَا فِي قُرْآنٍ لَا تَدْبِرُ فِيهَا»؛ در عبادتی که همراه فهم نباشد و برای قرائتی که در آن تدبیر نباشد، خیری نیسکت

۲. اخلاص در قرائت:

امام صادق علیه السلام فرمودند: «فُرَاءُ الْقُرْآنِ تَلَاثَةٌ رَحْلٌ قَرَا الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَ اسْتَخَرَ بِهِ الْمُلُوكَ وَ اسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ وَ رَحْلٌ قَرَا الْقُرْآنَ فَحَفَظَ حُرْوَقَهُ وَ صَبَّعَ حُدُودَهُ وَ رَحْلٌ قَرَا الْقُرْآنَ فَوَصَعَ دَوَاءُ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ وَ أَسْفَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَ أَطْمَطَهُارَهُ وَ قَامَ هَفِي مَسَاجِدِهِ وَ تَحَافَى بِهِ عَنْ فَرَاسِهِ فَيَا وَلَيْكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ وَ يَا وَلَيْكَ يُدْبِلُ اللَّهُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَا وَلَيْكَ يُنْزَلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ وَ اللَّهُ لَهُوَلَاءُ فِي أَفْرَالِ الْقُرْآنِ أَعْزَزُ مِنَ الْكَبِيرِيَّتِ الْأَحْمَرِ» قاریان قرآن سه گروهند: یکی آنان که قرائت قرآن را سرمایه معیشت خود نمودهند، و به واسطه آن از ملوک حقوق مکررند، و بر مردم تقدم می‌جویند. گروه دیگر، آنان که حفظ حروف و صورت قرآن کنند، و تصبیع حدود آن روا و الوفرا پشت سر اندازند، چنانچه سوار قدح خود را به پشت او بخداوند زیاد نکند این قسم حمله قرآن. طایفة دیگر آنان هستند که قرآن را قرائت نمایند و با دوای قرآن دردهای قلب خود را علاج کنند، پس به واسطه آن شب را بیدار و به عبادت بگذرانند و دوز را رو بگیرند و به تشنجی گذرانند، و در مساجد حاضر شوند و اقامت کنند و از فراش خواب ناز برخیزند، پس خداوند عزیز جبار به واسطه اینها دفع بليات فرماید و باران از آسمان فرو فرستاخدا قسط این گروه از قاریان قرآن از کبریت احمر کمیابند»

۳. تهذیب نفس و طهارت حسم:

طبعیت قرآن کریم پاک و مطهر است و به باطن آن جزء طهارت جسم و جان نمی‌توان دست یافت خود قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ «به قرآن دست پیدا نمی‌کنند مگر مطهرون»

مرحوم علامه طباطباییو حمه الله این آیه را صفت برای آیه قبل؛ یعنی «فِي كِتَابِ مَكْنُونٍ» می‌گیرند، به معنای محفوظ و مصون از تغییر که همان لوح محفوظ است، همانگونه که خداوند می‌فرماید: «بَلْ هُوَ قَرْآنٌ مَحْيٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ»

«لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ یعنی «لا يمس الكتاب المكنون الذي فيه القرآن الا

المطهرون» کسی آگاهی ندارد از کتاب پنهانی که قرآن در آن است، مگر پاکان «والمطهرون» - اسم مفعول من التطهیرهم الذين طهر الله تعالى نفوسهم من ارجاس المعاصي: «مطهرون» - اسم مفعول از تطهیر است لنان کسانی‌لند که خداوند قلبها یشان را از آلودگی معاصي پاک نموده اسک

در تفسیر «مجمع البيان» ذیل همین آیه مینویسد: «وعندنا آن الضمير يعود الي القرآن فلا يجوز لغير الطاهر مس كتابة القرآن ظهر ما اين است كه ضمير در «يمسه» به «قرآن» برمی‌گردد بنابراین، برای غیر طاهر مس کردن نوشته قرآن جایز نیسکت

۴. شناخت هدف نزول قرآن کریم:

امام خمینی قدس سرّه می‌فرماید: «ما باید مقصود از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات عقلی برهانی، که خود به ما مقصود را فهمی‌می‌داند، از خود کتب خدا اخذ کنیم. مصنف کتاب مقصود خود را بهتر می‌یابند.. می‌بینیم خود می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابَ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ»؛

در یک سوره کوچک چندین بار مفهومی می‌فرماید: «وَ لَقَدْ يَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهُلْ مِنْ مُذَكَّرٍ

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج، ۶۰۹ ص ۶ (باب فی قرائته، ۱).
۲. چهل حدیث، امام خمینی قیس سرّه، حدیث ۲۹، فصل در فضیلت تلاوت قرآن، ۴۹۷.
۳. چهل حدیث، امام خمینی قیس سرّه، حدیث ۲۹، فصل در فضیلت تلاوت قرآن، ۵۰۱.
۴. واقعه / ۷۹.
۵. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج، ۹، ص ۱۴۲.
۶. همان.
۷. تفسیر مجمع البيان، طبرسی، ج - ۹، ص ۲۸۷.
۸. بقره / ۲.
۹. قمر / ۱۷.

می بینیم می فرماید : «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْذِكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

و می فرماید «کتابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَبَرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، صاحب صاحب این کتاب سکاکی و شیخ نیست که مقصداش جهات بلاغت و فصاحت باشد؛ مسعودی و ابن خلکان نیست تا سیبویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد؛ مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند، این کتاب چو عصای موسی و ید بیضای آن سرور، یا دم عیسی که احیاء اموات میگرد، نیست که فقط بی اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم‌الله علیه و آله‌آمدہ باشد؛ بلکه این صحیفة الهیه کتاب احیاء قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است این کتاب خدا است و به شئون الهیه جل و علا دعوت مکید ... و مردم باید برای تعلم شئون الهی به آن رجوع کنند تا استفاده‌ناز حاصل شود «وَ نَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الطَّالِمِينَ إِلَّا حَسَّاً زَاجِهِ خَسَارَتِي بالاتر از اینکه بازمایم

«رَبَّنَا طَلَمْنَا أَنْغُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَعْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِ»^۲

۵. رفع موانع استفاده از قرآن کریم

منظور از موانع حجابهایی است که بین تلاوت کننده و خود قرآن کریم است که مواردی بیان میگردد:

الف) خودبینی:

این حجاب بزرگی استکه به واسطه آن، انسان خود را مستغنی میگند و نیازمند به استفاده نمیداند و این از شاهکارهای شیطان است که همیشه کمالات موهومه را بر انسان جلوه می‌دهد و انسان را به آنچه دارد راضی و قانع میکند، مثلًاً اهل تجوید را به همان علم جزیی قانع میکند و آن را در نظر آنها جلوه فراوان می‌دهد و دیگر علوم را از نظر آنها میاندازد اهل ادبیات را به همان پوسته بعیز راضی میکند و تمام شئون قرآن را در همان که پیش آنها است، نمایش می‌دهد و اهل تفاسیر را به طور معمول به وجود قرائات و آراء مختلفه ارباب لغت و وقت نزول و شأنولتنزو مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال این امور سرگرم می‌بازد

ب) حجاب آراء فاسد و مذاهب باطله:

که گاهی از سوء استعداد خود شخص است و اغلب از تبعیت و تقلید پیدا شود مثلًاً تفکر اینکه در ذات خداوند تفکر ممنوع است، قیاس کهفیه اینکه باب معرفة الله و مشاهدة جمال پروردگار به کلی مسدود است و آراء باطل دیگر که به مجرد شنیدن از برخی نادانان در دل رسوخ پیدا مکیوده‌اند، که اگر هزاران آیه و روایت مخالف آن آورده شود، یا به ظاهرش اکتفاء می‌شود و یا در آن دقت نظر نمی‌شود. این آراء بین ما و کتاب شریف، حجاب گردیده است

ج) حجاب برخورد متحجّرانه با مفاهیم قرآنی:

از جمله اعتقاد به اینکه جز آنچه مفسران نوشته‌کسی حق استفاده از قرآن را ندارد این حجاب ناشی از تفسیر غلطی است که تفکر و تدبیر در آیات الهی را تفسیر به رأی می‌داند، در صورتی که استفاهای اخلاقی، ایلمنی و عرفانی به هیچ وجه به تفسیر مربوط نیست تا اینکه تفسیر به رأی باشد و اینکه «دین الله لا يصادب العقول» و نیز «ليس شيءً أبعدَ من عقول الرجال من تفسير القرآن» شهادت نمیدهد بر اینکه مقصود «دین الله» احکام تعبدیة قرآن و دین باشد که عقل در آنها راه ندار

د) حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان: قرآن کریم در این مورد می‌فرماید «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَعْقِلُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبَصِّرُونَ بِهَا

۱. نحل / ۴۴

۲. ص / ۲۹

۳. اسراء / ۸۲

۴. اعراف / ۲۲

۵. آداب الصلة، امام خمینی(س سرمه)، ص ۹۴ و ۹۵.

۶. بحار الانوار، ج ۲، باب البعد و الرأي والمقاييس، ۳۵۳، ح ۴۱.

۷. همان، ج ۹۲، باب ۸، ص ۹۵، ح ۴۸.

وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامُ بَلْ هُمْ أَهْلٌ

و این در حالتی است لکه قلب در سلطه شیطان واقع شود و قوای روح که چشم و گوش و قلباند در تسخیر او قرار گیرند
هـ) حجاب حب دنیا:

به واسطه حب دنیا قلب تمام هم و غمیش را برای آن میگزارد و هر چه این محبت بیشتر گردد، این حجاب ضخیم میشود، تا جایی که قلب را قفل و چشم بصیرت را کور میکند؛ قرآن شریف میفرماید «**أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْغَلْنَا**» و منطبق کردن آیا با خود:

هر مسلمانی باید خود را با قرآن تطبیق دهد و نواقص خود را رفع نماید، چنانچه در قرآن میخوانیم: «**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيهِمْ آيَاتُنَا زادُهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رِبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**»^۱ «این اوصاف سگانه را بنگرد؛ آیا وقت ذکر و یاد خدا قلبش ترسناک میشود؟ وقتی آیا بی بر او تلاوت میشود نور ایمانش افزایش پیدا میکند؟ آیا اعتماد و توکلش فقط به خداوند است؟

فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد گرر الحکم و درر الكلم ، تصحیح: سید حسین شیخ الاسلامی، انتشارات انصاریان، قم، چاپ چهاردهم ۱۳۶۷ ش.
۲. حکیمی و...، محمد رضا، الحیاء، ترجمه احمد آرام، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۳. ری شهری، محمد مهدی میزان الحکمة، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث قم، ۱۳۷۹ ش.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین(علامه طباطبائی رحمه الله)، تفسیر المیزان ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، سالاً ۱۴۰۵ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن(شیخ طبرسی)، تفسیر مجتمع البیان، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، بیت‌قا.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق اصول کافی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۷. لویس معلوف، المنجد، ترجمه: محمد بندر ریگی، انتشارات ایران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۲ ش.
۸. مجلسی، محمد باقر بحار الانوار، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۹. موسوی الخمینی قدس سرّه، سید روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرّه، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرّه ، تهران، چاپ چهل‌دهم، ۱۳۸۶ ش.

^۱. اعراف / ۱۷۹ .
^۲. محمد / ۲۴ .
^۳. انفال / ۲ .